

صدای پای فاشیسم با احیای نمادهای امنیتی نظام سلطه

افزایش تلاشهای سازمان‌یافته‌ی جریان‌های افراطی سلطنت‌طلب در برخی کشورهای اروپایی، به‌ویژه آلمان، فرانسه و بریتانیا، در هفته‌های اخیر، دیگر صرفاً یک گرایش حاشیه‌ای در میان بخشی از اپوزیسیون خارج کشور نیست، بلکه به‌تدریج به تهدیدی سیاسی و فرهنگی برای آینده مبارزات دموکراتیک مردم ایران تبدیل شده است. رواج ادبیات نفرت، تهدید مخالفان، نمایش نمادهای وابسته به ساختارهای امنیتی دوران پهلوی، مشخصاً ساواک و تقدیس اقتدار فردی، نشانه‌هایی آشکار از بازتولید ذهنیت استبدادی در پوششی جدید است.

بخشی از این افراط‌گرایی، ریشه در ضعف تاریخی فرهنگ دموکراتیک، شخصیت‌محوری و فقدان تجربه نهادینه‌شده مدارا در سیاست ایران دارد. در شرایطی که جامعه سال‌ها زیر فشار سرکوب، بحران اقتصادی و ناامنی زیسته است، گرایش به «رهبر مقتدر» و راحل‌های اقتدارگرایانه می‌تواند جایگزین گفت‌وگو، مشارکت جمعی و پذیرش تکثر شود. در چنین فضایی، مخالف سیاسی به‌جای رقیب، به «دشمن» تبدیل می‌شود و زبان حذف و انتقام، جای فرهنگ سیاسی مدنی را می‌گیرد.

نگران‌کننده‌تر آنکه برخی جریان‌های تندرو با تطهیر ساواک، توجیه خشونت سیاسی و حمله به منتقدان، عملاً در مسیر بازسازی الگوهای سرکوبگر گذشته حرکت می‌کنند. سکوت یا مواضع مبهم برخی چهره‌های شاخص سلطنت‌طلب در برابر این رفتارها نیز بر بحران مشروعیت و بی‌اعتمادی افزوده است. هیچ جریان، شخص و یا پروژه‌ای نمی‌تواند مدعی آزادی و دموکراسی باشد، اما در برابر نفرت‌پراکنی، خشونت، ارباب و حذف مخالفان سکوت کند.

در عین حال، جمهوری اسلامی و دستگاه‌های امنیتی آن همواره از شکاف، افراط‌گرایی و درگیری در میان اپوزیسیون سود برده‌اند. دامن‌زدن به فضای خصومت، دوقطبی‌سازی و تخریب نیروهای مستقل، یکی از ابزارهای حکومت برای جلوگیری از شکل‌گیری یک آلترناتیو ملی و دموکراتیک بوده است. هر چه اپوزیسیون بیشتر به سمت رادیکالیسم کور و شخصیت‌پرستی سوق پیدا کند، فرصت بیشتری برای بقای ننگین فاشیسم اسلامی حاکم بر میهن دربندمان فراهم خواهد شد.

در برابر این روند، نسل جدید ایران، به‌ویژه زنان و جوانانی که در سال‌های اخیر در صف نخست مبارزه با استبداد ولایت مطلقه فقیه ایستاده‌اند، خواهان آزادی، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، سکولاریسم و حاکمیت قانون هستند؛ نه بازگشت به الگوهای پلیسی-امنیتی و اقتدارگرایی گذشته. جنبش مدرن و مترقی «زن، زندگی، آزادی» نیز بیان روشن همین خواست تاریخی بود و هست. جنبشی که مشروعیت را نه از قدرت موروثی و نهادهای امنیتی، بلکه از اراده آزاد مردم، حقوق بشر و برابری شهروندان می‌گیرد.

آینده ایران تنها از مسیر تقویت فرهنگ دموکراتیک و مدارا، پذیرش تکثر و تنوع، نفی خشونت سیاسی و احترام به حق تعیین سرنوشت مردمان سراسر میهن اشغال شده، ساخته خواهد شد. باور کنید که هیچ جامعه‌ای با بازتولید نفرت، اقتدارگرایی و حذف منتقدین و مخالفان، به آزادی، دموکراسی و همزیستی مسالمت‌آمیز دست نخواهد یافت.